

## حق بر سلامت: دستاورد ناشناخته زنان از جنبش مشروطه

### چکیده:

جنبش مشروطه به عنوان نقطه عظمی در تاریخ ایران، زمینه‌ساز نخستین تلاش‌های ساختاریافته برای نوسازی و بهبود شرایط اجتماعی با الهام از مدرنیته شد. در این دوره، مسائل بهداشت عمومی و حق بر سلامت، به‌ویژه با توجه به شیوع بیماری‌های واگیر، به دغدغه‌ای ملی تبدیل گردید. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیرات عصر مشروطه بر حقوق زنان و نقش آنان در پیشبرد این حقوق با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است، نتایج پژوهش حاکی از آن است مشارکت فعال زنان روشنفکر در انجمن‌های شهری و بهداشتی مانند «انجمن نظافت» تهران، اقداماتی همچون توجه به پاکسازی آب‌های آلوده، نظافت معابر، مدیریت پسماند، در کنار فعالیت‌هایی چون آبله‌کوبی کودکان و نقد وضعیت بهداشت کشور در مطبوعات، نه تنها گامی بلند در ارتقای سلامت جامعه بود، بلکه نقطه‌آغاز مهمی برای احقاق حق زنان در عرصه عمومی و تأثیرگذاری بر سیاست‌های بهداشتی به شمار می‌رود. این جنبش با ایجاد نهاد های مدنی و دولتی نوین، بنیان‌های اولیه برای توجه نظام‌مند به سلامت و بهداشت در ایران را پی‌ریزی کرد.

واژگان کلیدی: جنبش مشروطه، حقوق زنان، حق بر سلامت، بهداشت، مطبوعات، زنان روشنفکر

## مقدمه:

جنبش مشروطه ایران (۱۲۸۵ خورشیدی) تنها تحولی سیاسی نبود، بلکه زایشگاه اندیشه‌های نوینی در حوزه اجتماعی و بهداشت عمومی محسوب می‌شود. این جنبش با گشودن فضا برای مشارکت مدنی، بستری بی‌سابقه برای پرداختن به مسائل زیربنایی سلامت جامعه فراهم آورد. در عصری که بیماری‌های واگیر ناشی از شرایط نامساعد بهداشتی، جان شهروندان را به طور میسر تهدید می‌کرد، ایده‌های مدرن در زمینه بهداشت شهری و عمومی، به تدریج از طریق نهادهای نوپای مشروطه‌خواه مانند مجلس (انجمن‌های مختلف، به‌ویژه «مجلس حفظ‌الصحة دولتی»، به عرصه سیاست‌گذاری و آگاهی عمومی راه یافت. نکته درخشان و متحول‌کننده این دوره، حضور و نقش فعال زنان بود که فراتر از عرصه‌های سنتی، در تشکلهای مرتبط با بلدیة و بهداشت عمومی مشارکت داشتند. تشکیل انجمن‌هایی مانند «انجمن نظافت» در تهران و اقدامات عملی آنان در بهبود وضعیت گرمابه‌ها، آب‌کوبی، مدیریت تدفین و نقد بی‌پرده اوضاع بهداشتی، نشان‌دهنده تولد کنشگری جمعی زنان در جهت احقاق «حق بر سلامت» برای خود و جامعه بود. بنابراین، مشروطه را می‌توان سرآغاز حرکت‌های سازمان‌یافته و آگاهانه‌ای دانست که در آن سلامت جسمانی شهروندان به‌عنوان یک حق جمعی شناسایی شد و زنان به‌عنوان بازیگرانی اثرگذار در این عرصه ظاهر گشتند.

راجع به پژوهش حاضر آثاری که به صورت مستقیم به بررسی سلامت زنان و نقش بانوان در جنبش مشروطه نسبت به این حقوق پرداخته باشد یافت نشد اما موارد ذیل را می‌توان به‌عنوان پیشینه پژوهش نزدیک به موضوع در نظر گرفت:

۱. مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحلیلی اطلاعات پزشکی در نشریات ادواری فارسی دوره قاجار» باقری و همکاران (۱۳۸۸) با تحلیل محتوای نشریاتی چون «حفظ‌الصحة»، بر نقش رسانه‌ها در انتقال دانش پزشکی نوین و شکل‌دهی به گفتمان بهداشت عمومی تأکید دارند.

۲. مقاله «بررسی وضعیت پزشکی ایران عصر قاجار قبل از تأسیس دارالفنون» ذهابی و همکاران (۱۳۹۷) به حاکمیت طب سنتی و شیوع بیماری‌ها پیش از دارالفنون پرداخته‌است.

۳. مقاله «بررسی وضعیت اجتماعی زنان در دوره قاجار با تکیه بر دیدگاه سفرنامه نویسان» ذیابری و علم (۱۳۹۵)، با استناد به سفرنامه‌ها، وضعیت نامطلوب بهداشت عمومی و تفاوت‌های سلامتی زنان شهری و روستایی را مستند کرده‌اند.

شکاف پژوهشی و نوآوری تحقیق حاضر: علیرغم غنای مطالعات فوق، تمرکز آنها عمدتاً بر توصیف شرایط یا تحلیل ابزارهای اطلاع‌رسانی بوده و کمتر به «حق بر سلامت» به‌مثابه یک مسئله حقوقی با محوریت جنسیت پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با رویکردی حقوق محور، درصدد است تا با واکاوی اسناد و نشریات، این پرسش اساسی را بررسی کند که «حق دسترسی عادلانه زنان به سلامت، آموزش پزشکی و مشارکت در سیاست‌گذاری بهداشتی، در گفتمان و نهادهای پزشکی عصر مشروطه چه جایگاهی داشت؟». این نگاه تحلیلی، تمایز بنیادین تحقیق حاضر با پیشینه موجود است و پژوهش حاضر نیز به بررسی این دستاوردها و اقدامات بهداشتی-اجتماعی دوران مشروطه و نقش محوری زنان در آن می‌پردازد.

## ۱- عمده عوامل عدم توجه به حق بر سلامت در دوره قاجار

### ۱-۱- آب‌های غیر بهداشتی

امراض گوناگون واگیردار، آلودگیهای آب و سایر عوامل بیماری‌زا و.. موجب به هم ریختن مبنای آرامش و آسایش

جهانیان شده بود که در این صورت هر قدر هم انسان قوی و مقتدر و از امکانات مادی و معنوی برخوردار باشد در برابر این آفات جز تسلیم و رضا چاره‌ای نداشت، از اینرو دانشی بزرگ در جهان پزشکی به نام بهداشت شکل گرفت (بروکیگتون، ۱۳۵۰: ۹). آبهای آلوده بزرگترین عامل انتشار بیماری‌های رایج در آن زمان مثل حصه (تیفوئید) اسهال، وبا و غیره بودند (تربیت، ۱۳۱۹ق، ش ۲۴۳/ ۹۷۴). چون آب بهداشتی و تصفیه شده در اختیار مردم نبود به خصوص شهر تهران که در آن زمان بزرگترین و پرجمعیت ترین شهر کشور بود و در حدود سیصد الی چهار صد هزار نفر جمعیت داشت، فقط به وسیله چند قنات که از شمال به جنوب تهران جریان داشت تأمین می شد (سعادت، ۱۳۷۰: ۱۳۶-۱۳۷). آب تهران به عنوان پایتخت ایران بهتر از شهرهای دیگر نبود چون وجود چاه‌های فاضلاب در کنار منابع آب همچنین ورود فاضلاب‌ها به مراکز آب جاری و رودخانه‌ها موجب نشر انواع بیماری‌های می شد (وقایع اتفاقیه، ش ۱: ۱۳). این رویه عملاً در تمامی شهر ایران به این شکل بود (آفرین توکلی، ۱۴۰۱: ۷).

در شهر اصفهان هم وضعیت بهداشت آب به همین صورت بوده است: «در اطراف زاینده رود که در آن آب‌ها، چیت سازی و مازوکاری و هم عداغی و دباغی و پوست شویی و هم رخت شویی می‌شود، چون که این آب‌ها اولاً آلوده به مواد سمیه نباتیه مولده در آب‌ها و ویروس‌های حیوانیه‌اند. ثانیا ویروس مرضای تیفوس و آبله و ... از شستن لباس‌های مرضی و فضالت مدفوعه به قی و اسهال به آب‌های مذکوره آمیخته می‌شود» (روزنامه فرهنگ، ۱۲۹۸، ش ۶۷۶). علاوه بر مشکل آب‌های جاری، چاه‌های آب شهر هم بهداشت کافی نداشت.

آنچه گفته شد در اغلب شهرها و روستاهای ایران آب مصرفی در جویهای سر باز یا نیمه پوشیده در وسط خیابان و روستا جریان داشت که مردم برای آشامیدن، غذا پختن و شستن لباس‌ها استفاده می‌کردند، به شدت آلوده و ناقل بیماری‌های عفونی بود. بسیاری از خانه‌ها یک طشت آب داشتند که سرشار از حشرات بوده کارکنان رسمی بهداشت دریافتند که صاحب خانه‌ها در مقابل اقدامات پیش گیرانه مقاومت نمی‌کنند (میر، ۱۳۸۶: ۷۵). ماموران بهداشت مدام به مردم گوش زد می‌کردند که ریختن خاکروبه در آب جاری شهر و شستشوی رخت در آن‌ها مایه نشر امراض می‌گردد (آدمیت، ۱۳۵۴: ۳۲۸).

## ۲-۱- رختشویی کنار جوی‌ها

مسئله مهم دیگر در ارتباط با آب‌های آشامیدنی، نبودن مکان معین برای رخت شوی خانه و عمارت خانگی و شستشوی مردگان و البسه آلوده در همین آب‌ها در شهرهای بزرگ بود (روزنامه بلدی، ۱۳۰۶، ش ۵: ۶). «بعضی اموات گرفتار بعضی امراض جلدیه از قبیل سیفلیس و سایر جراحات از قبیل شقاقولوس و غیره بوده‌اند که این کثافات جزء آب شده آن را می‌آشامند» (روزنامه فرهنگ، ۱۳۰۴، ش ۴۰۶) فریدون آدمیت معتقد است کل اطبا روی زمین متوجه شدند که باعث ناخوشی‌ها در هر جا و مکان، کثافت کوزه‌ها و تعفن هوای آنجاها است بدین قرار دیوان، به جهت خلق نفع زیادی دارد و کلاسر در این باب منتهای سعی و کوشش را دارد که شهر را پاکیزه نگهدارد. همچنین از آنجا که یخچالها در تابستان خاروبه دان و در زمستان رختشوی خانه بود و برای گرفتن یخ آب کثیف و ناصاف می‌شد، مقرر شد که از اواخر قاجار دور یخچال‌ها را دیوار بکشند (آدمیت، ۱۳۷۸: ۳۳۶).

وضعیت آب‌های شهرهای بزرگ همچون تهران، تبریز، اصفهان و ... تا مدت‌ها به همین صورت بود و انتقاد از آن ادامه داشت به عنوان مثال مجله بلدیة علت اصلی بیماری حصه و تیفوئید در اصفهان را سر باز بودن آب‌های جاری و آلودگی آب‌های شهر به این مرض‌ها می‌داند (روزنامه بلدی، ۱۳۰۶، ش ۱۰: ۵).

طبق گزارشی در روزنامه ایران در تاریخ ۲۹ ذیحجه ۱۳۰۶ قمری در دوران حکومت سعدالسلطنه در قزوین درباره ایجاد رختشوی خانه در این شهر چنین نوشته شده است: «سعدالسلطنه در جزئی و کلی امور حکومت، اهمتامی تمام و حوزه حکومت انتظامی به کمال دارد - چون در شهر قزوین سابقاً رختشوی خانه وجود نداشت و زن‌ها ناگزیر در لب انهار و

خیابان نزد نامحرمان رختشویی می‌کردند، سعدالسلطنه محض رفع این عادت ناپسند و آسایش مردم یک باب رختشویی خانه عالی از مال خود بنا کرده وقف اهالی شهر نمود (روزنامه ایران، ۱۳۰۶ ق: ۲). کارلا سرنا بعد از دیدن چهره زنانی که چمباتمه زده و در آب لباس‌های کثیف خود را می‌شویند با تعجب از خود سؤال می‌کند در روزهای رخت‌شویی آب چه مزه‌ای دارد؟ (سرنا، ۱۳۶۲: ۶۳) به همین دلیل زمانی که در تهران وبا شدیداً شیوع یافت لباس شویی به این ترتیب را در بخش‌هایی از تهران ممنوع شد و با جدیت از آن جلوگیری شد، اما مردم گویی به آن اعتنایی نداشتند (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۰۰).

## ۱-۲- بی‌توجهی به بهداشت حمام‌های عمومی

حمام‌ها در زندگی و زمره ایرانیان نقش پررنگی در بهداشت و زندگی اجتماعی شان را ایفا می‌کردند و از آنجائیکه پاکیزگی در اسلام بر مسلمانان واجب شده است و رعایت این فریضه باعث توجه افزون‌تر مسلمانان به رعایت نظافت شده است. در تمامی شهرهای ایران چه بزرگ و چه کوچک همواره حمام‌هایی عمومی برای استفاده عموم و چندتایی نیز خصوصی برای اشراف و شاهزادگان احداث می‌گردید. پس آنچه که گفته شد مردم ایران در دوره قاجاریه در منزل خود حمام نداشتند و برای این منظور به حمام‌های عمومی می‌رفتند. وجود یک حوض عمومی برای استحمام به قدری به انحراف صحت عمومی مدخلیت دارد که اگر روزی یک دهنم آب آن عوض شود نتیجه نخواهد داشت مگر اینکه حمام‌ها را مبدل به دوش و حوض‌های خصوصی کنند (آرشیو اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۰۷، ۸۸۹۶). در سنجیدگی مرکز کردستان غسال‌خانه هم ندارد و اموات را در پای حمام‌ها تغسیل می‌کنند که بر خلاف صحیح است (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ۲۰۰۳-۲۰۰۴: ۲۴۰).

آب خزینه‌ها در برخی از شهرها تقریباً سه بار در سال تعویض می‌شد، زمانی آب زودتر تخلیه می‌شد که شاهزادگان و اعیان و اشراف می‌خواستند حمام بروند (فلور، ۱۳۸۶: ۷۸). علاوه بر آلوده بودن محیط و آب خزینه‌های حمام، عوامل دیگری نیز این آلودگی را افزایش می‌داد. ادوارد دودسون از میسیونرهای مذهبی انگلستان در این خصوص اظهار داشته که هنگامی که فرد به حمام عمومی می‌رود لباس هایش را عوض می‌کند و لباس‌های تمیز می‌پوشد، اما بسیاری لباس تمیز ندارند و برای ماه‌ها حمام عمومی نمی‌روند. بسیار معمول است که پس از یک بیماری عفونی فرد به حمام می‌رود. هرچند ممکن است مقداری از جرم‌ها نابود شوند، اما بسیاری هنوز زنده مانده و باعث انتقال بیماری می‌شوند (فلور، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۹).

به علت ناآگاهی مردم همچنین کمبود صابون، شست و شوی لباس‌ها هم به سختی صورت می‌گرفت و همین عامل باعث شده بود تا لباس‌های افراد منبعی برای جذب جانوران موذی شود (فلور، ۱۳۸۶: ۷۴) در نتیجه هیچ کس از این امراض در امان نبوده است. عین السلطنه در توصیف یکی از حمام‌های تهران و آب مورد استفاده در آن حمام، چنین آورده غروب هر طور بود، به اصرار آقای عمادالسلطنه حمام رفتم. بدترین حمام‌ها بود. به شدت کثیف کرده‌اند که مافوق آن متصور نیستم. آبش سیاه و غلیظ بود. به زحمت و صدمه خلاص شدم. ... پاک رفتم و کثیف بیرون آمدم. یقین دارم ده هزار شش در آن آب بود» (سالور، ۱۳۷۴: ۸۰۰).

نویسنده کتاب یادداشت‌های سفر اصفهان که در سال ۱۳۰۳ ه.ش یعنی اواخر قاجار به اصفهان سفر کرده است، در توصیف حمام شیخ بهایی می‌نویسد که بیشتر مشتریان آن‌ها کودکان هشت و نه سال به بالا بودند که توسط دلاکان و با تیغ‌های آلوده سر آن‌ها تراشیده می‌شد که به علت آلودگی تیغ‌ها اکثر آن‌ها به بیماری کچلی مبتلا می‌شدند. کار حجامت و خون‌گیری نیز با دالکان بود که ابزار اصلی آن‌ها همان تیغ‌های آلوده بود. در سطح آب خزینه لایه‌ای از چرک و کف صابون پوشیده شده بود و آب بوی نامطبوعی می‌داد (جواهرکلام، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۱). حمامی‌ها برای تمیز کردن خزینه از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کردند که جارو کردن روی آب و گذاشتن الوار روی آب خزینه برای جذب چربی سطح آب و پاشیدن شیر آهک تعدادی از این راه‌ها بود (شیخ الاسلام، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

#### ۴-۱- افزایش بیماری های واگیردار

ایران در بعد از انقلاب مشروطیت شاهد حضور تجار زیادی از اروپا و آمریکا بود که کاروان های بصورت زمینی و دریایی روانه بازار پر مصرف ایران می شدند. در کل دنیا در قرن نوزدهم برای جلوگیری از اپیدمی بیماری های مسری مانند وبا، طاعون و ... مسئله قرنطینه مورد توجه بود و در بسیاری از کشورهای مورد درگیر اجرایی شد ولی در ایران به صورت کارآمد اجرایی نشد چرا که در این کشور ایجاد قرنطینه به شیوه حکمرانی و نگرش مردم نسبت به چنین پدیده ای تازه ای که باعث ایجاد مشکلات عدیده ای برای مردم و مسولین حکومت می کرد (کثیری و دیگران، ۱۳۹۰: دوره ۴، ش ۶: ۱). چرا که در این شرایط نگاه منعت طلبی هیأت حاکمه و بی توجهی عده از بزرگام و دلتمردان نسبت به قوانین وضع شده در قرنطینه ها، اصول آن به خوبی اجرا نشد. تا قبل از تا سیس مجلس حفظ الصحه، روش های جلوگیری از بیمارهای همه گیر و مسری بصورت ابداعی و موقتی اجرا می شد. ایستگاه های قرنطینه در فاصله های نا هماهنگی و ناموزونی از هم قرار داشت ولی در ایران بصورت منسجم با نام امیرکبیر گره خورد (صیری، ۱۳۲۶: ۵۶). هر چند ایجاد قرنطینه طبقه طولانی تر از حضور امیر کبیر در ایران دارد و به نوعی به دوران حضور طبای غربی مانند ویلیام کورمیک یا سرجان مک نیل بر میگردد. بیشتر قرنطینه های در داخل کشور در محدوده شهرهای بزرگ اجرا می شد. زمانی که بیماری طاعون در تبریز همه گیر شد در محدوده بیرونی این شهر قرنطینه اجرا شد برای نمونه هیچ کسی حق ورود به شهر خوی را نداشت اما با صادرات امیرکبیر قرنطینه به حوزه های بیشتری از شهرها گسترش پیدا کرد (فلور، ۱۳۸۶: ۲۶۶). بعد از این یکی از وظایفی که برای مجلس حفظ الصحه تعریف شد، برقراری سرویس های قرنطینه شد. در سال ۱۲۸۷ ش در پی اپیدمی بسیار شدید طاعون در منطقه خلیج فارس و پیگیری مقامات انگلیس مرکز قرنطینه در بوشهر ایجاد گردید (ندیم، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۰). بعد از مشروطه وضعیت قرنطینه ها در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران بهتر شد به گونه ای که در سال ۱۳۰۱ ق بک گسترده رخداد وبا در بغداد روی داد که اقدامات قرنطینه های نیرومند مانع گسترش آن به ایران شد (فلور، ۱۳۰۶: ۱۷).

#### ۵-۱- ضعف در ساماندهی زباله

دل و روده حیوانات ذبح شده، باقی مانده غذاها و جانورانی که مرده بودند به کوجه افکنده می شد، برای تنظیف خیابانها عملی انجام می گرفت و این کار به میل سبزی کارها واگذار شده بود که زباله شهر را برای کودکان بریند در اواسط دوران حکومت ناصرالدین شاه اداره احتساب ایجاد گردید که خاکروبه خانه ها را به خرج صنایع آن ها توسط الاغ دارها و خاکروبه کشها به خارج شهر حمل میکردند. اما وقتی خاکروبه کشها و خردکارها چشم سپورهای منحل تنظیفات شهر را دورمی دیدند آشغالها را در داخل شهر می ریختند (منظورالاجداد، ۱۳۶۸: ۱۷۲).

کنترل آلودگی های محیط از جمله مواد زائد جامد، بخش مهمی از وظایف بهداشت محیط است. توجه به امر بهداشت و سلامت جامعه و رعایت جنبه های پیشگیری بدون توجه به جمع آوری و دفع مواد زائد که یکی از اسباب اصلی آلودگی در شهرها و روستاهاست، امکانپذیر نیست. این مسأله در عصر قاجار از دیدگاه سیاحان، غیر بهداشتی بود. به گزارش پولاک چون تمهیدات بهداشتی برای تمیزنگهداشتن شهر تهران اندیشیده نمیشد، در تابستان، خیابانها کثیف و هوا مسموم و گرم و خفه کننده و آب حوضها، مانده و پشه ها و مگس ها فراوان میشد. از این رو بسیاری از مردم چارهای به غیر از رفتن به یلاق که همان شمیران باشد، نداشتند (پولاک، ۱۳۶۱: ۵۶-۲۴۷، سرن، ۱۳۶۳: ۱۶۳).

#### ۲-۲- حق بر سلامت از ابتدای دوره قاجار تا عصر مشروطه

تصویر بهداشت عمومی در ایران بخصوص درباره زنان در قرن سیزدهم هجری کمی مبهم و نا شناخته است. اگرچه

برخی معیارهای بهداشتی در داخل خانه‌ها مشاهده می‌شد و یا بر اساس موازین دینی یا آموزه‌های فرهنگی، به آن پایبند بودند. به هرحال ورای اینها، قلمرو بهداشت در حکومت و نیز جامعه شهری مورد غفلت بود (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۶: ۶۴). در میان مردم با فرهنگ ایران، قرن‌ها مرسوم و عادت بر این بود که خدمات شهری از جمله نظافت کوچه‌های شهر بیشتر توسط زنان انجام می‌گرفت و در حدود و سعت محیط خویش و بر اساس وجدان شخصی یا اعتقادات دینی و یا آداب و رسوم محلی تقریباً بدون مداخله حکومت و دولت انجام می‌دادند (مجویی اردکانی، ۱۳۷۰: ۱۲۸).

وضع ایران در طول حکومت سه شاه نخست سلسله قاجار اغلب آشفته و توأم با جنگ و کشمکش‌های داخلی و خارجی بود. وضع زندگی و بهداشت و سلامتی مردم نیز به تبع آن فلاکت بار و نا امیدکننده بود. بطوری‌که در گزارش فریزر از شهر تهران در سال ۱۲۳۵ق. چنین آمده است: «خیابان‌های شهر و بازار پر از اشیاء آلوده است و عابران از کثافت‌ها موجود که بیشترشان بیماری‌زا هستند در عذاب هستند جدام و سایر بیماری‌های واگیردار به وفور به چشم می‌خورد و تقریباً چاره‌ای جز تماس با آن‌ها نیست. آب در گودال‌های کثیف جریان دارد و در این شهر فاضلاب از وسط خیابان‌ها عبور می‌کند. از این گودال‌ها و چاهی‌های آب برای زهکشی و شست شو ظروف استفاده می‌شود در هوای گرم بیشتر مواقع بوی بد از آن ساطع می‌شود (بروکینگتون، ۱۳۰۰: ۲۱۸). پولاک نیز در توصیف گوشه‌هایی از وضعیت بهداشت عمومی در عصر قاجار و در دوره ناصری چنین می‌گوید که در نوابستان‌ها دم از یخ‌هایی که با آب کثیف در ست می‌شد استفاده می‌کردند در این راستا شهردار تهران، محمدخان کلانتر دستور داد یخچال‌ها را دیوار کشی کنند تا از آلودگی حفاظت شوند (پولاک، ۱۳۶۱: ۹۳).

در هر صورت، موج‌هایی از وقوع اپیدمی بیماری‌ها همچون وبا و طاعون در کشور زیاد بودند؛ بطوری‌که در سراسر قرن سیزدهم در ایران تکرار می‌شد. در این بیماری‌ها تأیید شد که عامل اصلی در پیشگیری، آگاهی اجتماعی درباره بهداشت عمومی و رعایت در بین آحاد ملت است. در طی تکرار وقوع اپیدمی اوایل دهه ۱۲۶۶ق محمدخان کلانتر از پزشکان (سستی) خواست تا کتابچه آموزش‌های پیشگیری و پزشکی *حفظ الصحة الامه* (حفظ بهداشت عمومی) را در برابر وبا بنویسند تا آن‌ها را در بین مردم به خصوص افرادی که دسترسی به پزشک ندارند، توزیع کنند. مشابه روزنامه دولتی که به نام روزنامه وقایع اتفاقیه چاپ می‌شد و از نظر استعاره‌ای به معنی مجله‌ای است که وقایع اتفاق افتاده را گزارش مینمود. در این روزنامه، مقالاتی در زمینه انتشار بیماری‌های همه گیر منتشر می‌گردید (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۶: ۶۵). به دلیل همین ضعف‌ها در مواجهه با بهداشت عمومی مردم ایران در اوایل دوره ناصری، امیرکبیر دستور تاسیس در *بمخانه دولتی* را داد (در سال ۱۲۶۷ق آغاز تا ۱۲۶۸ق) بنا به نوشته وقایع اتفاقیه بیش از ۴۰۰ بیمار در آن درمان شدند و این بیمارستان داروخانه مخصوصی داشت و نخستین بیمارستان تاریخ جدید ایران به شمار می‌رفت (وقایع اتفاقیه، ۱۲۶۸ق، ش ۵). از جمله اینکه برای آشنا شدن مردم به امور صحی، مقاله‌هایی راجع به بیماری‌های مسری مانند وبا و بیماری‌هایی که از آب‌های آلوده ناشی می‌شود، انتشار یافت و نیز به مردم آموزش میدادند که ریختن خاکروبه در آب جاری شهر و شستشوی رخت در آن‌ها مایه نشر بیماری می‌شود و جلوگیری از آن الزام است (آدمیت، ۱۳۷۸: ۳۳۶).

با وقوع انقلاب مشروطه، زنان همسنگ مردان، پای در عرصه سیاست و اجتماع گذاشتند و منشا تحولات بنیادین بسیاری بودند که از آن جمله میتوان به توسعه روزنامه نگاری زنان در این دوره اشاره کرد. در فاصله سال‌های ۱۳۲۸ قمری تا روی کار آمدن دولت پهلوی (۱۳۰۴ش)، هشت نشریه با مدیریت زنان به طبع رسید که خط مشی همگی این نشریات، حول محور موضوع «زنان و اطفال» بود. از جمله این نشریات، نشریه شکوفه بود که بیشتر مقاله‌های آن در رابطه با موضوع زنان بود (کریمی، ۱۳۹۵: ۱۷۳). بررسی بهداشت زنان و شیوه درمانی آن‌ها و انعکاس آن در مطبوعات در عصر مشروطیت تا پایان حکومت قاجار از مباحث این پژوهش است.

### ۳-تاثیر مطبوعات بر روند زندگی اجتماعی و بهداشتی زنان

با سیر کلی در تاریخ ایران می توان گفت که از پایان دوره صفوی تا اواسط قاجار عملاً هیچ تلاشی برای ایجاد تحول در ساختار فرهنگی کشور صورت نگرفت، اما جامعه ایران در عصر قاجار، در سایه تحولات نوین جهانی، دچار مرحله جدیدی از تغییرات سیاسی و اجتماعی شد که با دوره ماقبل آن تفاوت زیادی داشت. سیاست‌های اعمالی حکومت قاجاری باعث شده بود زنان در حوزه اجتماعی جایگاه خوبی نداشته باشند (بامداد، ۱۳۴۸: ۵). روزنامه تمدن در شماره ۱۲ خود؛ در باب محدودیت های زنان مقاله ای به چاپ می رساند که از زبان یکی از زنان می نویسد: «ما را از پنج سالگی به مکتب می گذاشتند؛ آن هم همه دختران را، بلکه ندرتا. نه ساله که می شدیم از مکتب بیرونمان می آوردند. اگر کتاب می توانستیم بخوانیم یا خط می توانستیم بنویسیم، پدران عزیزمان با کمال تحیر کتاب و قلم را از دستمان گرفته، پاره کرده و شکسته و به دور می انداختند. که چه معنی دارد دختر خط داشته باشد (تمدن، ۱۳۲۵ق، س ۱، ش ۱: ۱).

با آشنایی ایرانیان با اندیشه های جدید و ورود مطبوعات به کشور، تغییراتی در نگرش برخی از افراد به زنان ایجاد شد. برخی از زنان متوجه حقوق خود شدند و سعی در تغییر وضعیت خود و جامعه خود داشتند. اوج این تغییر را می توان در نهضت مشروطه مشاهده کرد. در نهضت مشروطه، زنان زیادی به فعالیت پرداختند که مبارزه آنان گاهی به صورت مسلحانه و گاه به صورت حمایت مالی بوده است؛ مثلاً، هنگام تأسیس بانک ملی، زنان تلاشهای بسیاری از خود نشان دادند. زنان گفت و گو از فروش گوشواره و گردنبندها (میان می آوردند. روزی پای منبر سیدجمال واعظ در مسجد میرزا موسی، زنی به پا خاسته چنین گفت حکومت ایران چرا از خانه قرض می کند؟ مگر ما مرده ایم؟ من یک زن رخته شوی هستم. به سهم خود یک تومان می دهم. دیگر زن ها بی حاضرند» (کسروی، ۱۳۷۰: ۱۸۰).

یکی از دستاوردهای انقلاب مشروطه، رواج روزافزون و گسترش مطبوعات در کشور بود، اهمیت مطبوعات به حدی بود که آن را رکن چهارم مشروطه لقب دادند، از این حیث که نوعت ها از طریق مطبوعات مردم با تحولات سیاسی و اجتماعی کشور آشنا می شدند و نسبت به اوضاع بین المللی آگاهی می یافتند، بلکه وضعیت اجتماعی و بهداشتی جامعه نیز مورد توجه قرار میگرفت. در این دوره زنان نیز در کنار مردان مقالاتی را ارائه دادند، و حتی خرد صاحب روزنامه و نشریه شدند. در این دوره (یعنی مشروطه) دروازه ای برای آگاهی و آمادگی جنبش زنان در ایران برد. این دوره نقش اساسی در بیداری زنان داشته است، همان گونه که مردان در این دوره بر اثر عواملی چون تأسیس مدارس، روزنامه ها، انجمن ها، جنبش های فکری و... از دیدگاهی نو به حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود نگریدند. زنان نیز تحت تأثیر عوامل مذکور در جنبش ها و نهضت ها نقش مؤثری ایفا کردند. از مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره قاجار، می توان به بهداشت فردی و اجتماعی در این دوره از سوی زنان اشاره کرد.

از موضوعات مقالاتی که نویسندگان زنان در روزنامه ها بسیار به آن می پرداختند، توجه به بهداشت فردی و اجتماعی زنان و کودکان بود. در این میان، گاه نویسنده فرصت می یافت تا با لحن انتقادی از برخوردهایی که اجتماع مردانه با جماعت خانم ها داشت یاد کند و نیز زیان های بی توجهی به سلامت و بهداشت زنان را، که به دلیل شرایط و ویژگی های طبیعی خود بسیار از مردان آسیب پذیرند، گوشزد کند.

در مقاله ای درباره بهداشت فردی ایرانی ها می نویسد: «اکنون می بینیم و همه اعتراف داریم که هم افراد ما ایرانیان از حیث مزاج مبتلای انواع و اقسام بیماری ها هستیم به قسمی که در هزاری یک نفر تندرست و سرخ و سفید نیستیم و حال آنکه آب و هوای ایران از تمام ممالک دیگر بهتر است و هم هیئت اجتماعی ما از حیث سیاست و اقتصاد و غیره. باید فکر کنیم و ببینیم که چرا ما مزاجاً و روحاً از اوج افلاک به حضيض خاک فرود آمده ایم» (نامه بانوان، ۱۲۹۹ش ش ۴: ۱).

تا قبل از دوره مشروطه روزنامه ها عمدتاً بخشنامه ها و برخی حوادث کم اهمیت کشور را پوشش میدادند، در این دوره

زمانی مهمترین نشریات ایران مثل قانون، اختر، حبل المتین، ثریا و پرورش در خارج کشور منتشر میشدند که نقشی مهم در آگاهی مردم ایران برعهده داشتند، به همین دلیل ورود این نشریات به داخل کشور ممنوع بود و به واقع از طرق غیرقانونی وارد می شدند. شاید بتوان گفت همین مطبوعات، زمینه ساز انقلاب مشروطه ایران بودند.

#### ۴-مهوریت حق بر سلامت زنان در عصر قاجار و تاثیر جنبش مشروطه بر ترقی آن

در عصر قاجار تا قبل مشروطیت، زنان شهری حتی در خانواده های ممتاز به علت شیوه زندگی محصور در حرم، دسترسی کمی به خدمات پزشکی داشتند و اگر پزشکی اجازه مییافت به ملاقات زنی بیمار در حرم نائل شود، گستره عملکردش بسیار محدود و کاملاً حساب شده نویسنده ماهنامه بود. به عقیده نسوان وطن خواه در خلال پیشرفت تمدن در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مشکلات زیادی گریبانگیر خانواده های ایرانی بوده که دلیل اصلی آن را نادانی و بی سوادی زن تلقی می کنند (نسوان وطن خواه، ۱۳۰۲، س ۱، ش ۲: ۲). زنان در فضای سنگین مرد سالاری حق مراجعه به پزشکان مرد را نداشته و یا به ندرت اتفاق می افتاد. تا قبل از مشروطه، فرهنگ مراجعه زنان به پزشکان مرد حتی در شهر بزرگی مثل تهران بسیار نادر بود، اما از این دوره به بعد که زنان به رعایت مقررات بهداشتی توسط جراید و مجلات نشر می یافت تشویق می شدند و نیز ترغیب می شدند تا به سطور معالجه خویش به پزشک مراجعه کنند. به طور مثال در شماره سوم نشریه حفظ الصحه زن های ایرانی با مقاله ای تحت عنوان «قابل ملاحظه خانمان کدباو و دایگان و پرستاران اطفال» مورد خطاب گرفتند. در این شماره برخی توصیه های بهداشتی آداب رفتار با کودکان، رعایت بهداشت فردی و تجویز برخی غذاها برای سنین مختلف مورد توجه واقع شد (حفظ الصحه، ۱۳۲۴، س ۱: ۲۳-۲۵).

در قرن سیزدهم هجری ایران درگیر بیماری های واگیرناز بود بطوری که بهداشت عمومی به خطر می افتاد. در دوره حکومت قاجاریان علاوه بر اینکه بهداشت عمومی بسیار ابتدایی بود کشور با انواع بیماری های از جمله وبا؛ طاعون، آبله، تیفوس و مالاریا نیز درگیر بود که هر ساله بر میزان کشته شدگان از بیماری بر کشور اضافه میشد. نا آگاهی مردم به خصوص زنان در پیشگیری از بیمار یهای های واگیردار و همچنین بیماری های زنان بر این توتی ها می افزود. چرا که زنان در حالی که حافظ جان خود باشند بایستی حافظ کودکان و همسران خود نیز باشند. در دوره قاجار درج مقالاتی همچون «طبی در معالجه وبا» و «طبی: خواب مرگ یا مرگ خوابی» (حکمت، ۱۲۸۴، س ۱۳: ۸۴۳-۱) «معالجه تبی و تهوع زنان آبستن» (ادب، ۱۲۸۳، س ۳: ۲) و «ستون حفظ الصحه در روزنامه الکامل» (الکامل، ۱۲۷۹، س ۱: ۲۳: ۸). از نمونه های مندرج در مطبوعات در خصوص توجه به بهداشت عمومی به ویژه زنان در جامعه ایران می باشد.

ایجاد این زمینه های آگاهی باعث گردید تا در جامعه ایران اواخر دوره قاجار دو مفهوم سلامت فردی و بهداشت عمومی تعاریفی شاخص به خود گیرند بطوری که در حوزه بهداشت اجتماعی نیز اشاره به اطمینان از تمیزی مکان نشستن یا عدم استفاده از ظروف مشترک یا بهره مندی از آب سالم، اجتناب از انداختن آب دهان بر روی زمین و بسیاری از مطالب دیگر که با وجود ابتدایی بودن این عمل های پیشگیرنده با مرور زمان و تکامل آن نقش اساسی در رشد بهداشت اجتماعی داشتند است و مردم جامعه بخصوص زنان با خویشتنداری به امر مهم رشد بهداشت اجتماعی رسیده اند.

در منابع مورد بررسی، بیماری های شایع زنان در عصر قاجار بنا به تشخیص اطباء آن دوره و با توجه به پیشرفت سطح علم پزشکی روز آمده و بدیهی است که امکان تشخیص اشتباهاً روش درمانی اشتباه (با توجه به پیشرفت کنونی علم پزشکی) وجود دارد. این بیماریها شامل: بارداری و اختلال در عادت ماهانه، بیماری های تناسلی، بیماری های دوره بارداری و زایمان، نازایی، سقط جنین، بیماری های پستان، رفع لاغری، جراحی زنان، بیماری های چشمی و کم خونی و .. است، البته سقط جنین بیشتر از حیث عوارض آن بررسی شده و لاغری هم، چون در آن دوره عیب شمرده میشده، جزء بیماری آورده شده

## ۵- بهداشت فردی دختران و زنان

برای درازی عمر چیزی بهتر از رعایت حفظ الصحه نیست و قوانین حفظ الصحه را جز الطبای حاذق ما هر کسی نشناسد زیرا که مناسب هر مزاج و شایسته هر طبیعت چیزی خاص باشد که بصاحب آن طبیعت اختصاص دارد ولی اینقدر میتوان گفت که عادت ورود و قبول طبیعت را در نگهداری صحت مدخلی نام باشد و اگر انسان پیرو عادت یا تابع اختیار طبیعت شود بزاجش دیرتر از حال سلامت منحرف گردد و بهترین طریق در حفظ سلامت و رعایت طول عمر آن است که مادر مهربان، امتحان کودک خود را از شیر خوارکی کرده آنچه را سود است بدو باز دهد و آنچه زیان آورد از وی دور کند، و کمتر دیده ایم که طفل در کردگی بچیزی عادت کرده و هنگام کبیر از وی متنفر شود (این است که حکما عادت را طبیعت ثانوی گویند (شکوفه ۱۳۳۱ق س ۳، شماره ۲: ۴).

توصیه‌هایی مبنی بر عروقت شادان، بودن در طی روز، داشتن تبسمی شیرین در صبح، بهداشت دندان، خوردن صبحانه با آرامش، ده دقیقه نفس عمیق کشیدن در هر صبح، مستقیم نشستن در پشت میز مدرسه یا اداره، استفاده از حوله، صابون و سایر لوازم شخصی بیش از اینکه کل جامعه را در بر بگیرد، سطح نازکی از آن را شامل می‌شود (عالم نسوان، ۱۲۹۹: س ۹، ش ۶، ۲۹۵-۲۹۴). همچنین ترغیب کردن به ورزش در زنان در ماهنامه جمعیت نوسان وطن خواه چنین آمده است: «ورزش یکی از مسائل مهم است که بدبختانه در ایران هیچ اهیتی به آن نمی‌دهند. قسمت عمده ساد اخلاقی و انحطاط قوای جسمانی و روحانی ما به واسطه نداشتن ورزش است. اخیراً در اروپا به قدری به این مساله اهمیت می‌دهند که ورزش را داخل اغلب قسمت‌های زندگی خود کرده اند» (جمعیت نسوان وطن خواه، ایران، ۱۳۰۲، س ۱، ش ۸ و ۷، ص ۱۷). در همین ماهنامه به تاثیر آب و هوا و محیط زندگی بر زندگی زن بررسی شده و تاثیر آن بر سلامتی زنان تاکید شده است (همان، س ۱، ش ۵ و ۶: ۱).

جالب این است که در روزنامه شکوفه نیز به بهداشت فردی زنان و دختران تاکید شده است. اما در برخی مقاله‌ها به منظور تاکید بر اهمیت بهداشت، به آموزه‌های دینی و توجه پیامبر به این معنی پرداخته شده است (شکوفه ۱۳۳۳، س ۳، ش ۴: ۴). در یکی از شماره‌های روزنامه دانش به ضرورت رعایت بهداشت فردی از جمله مراقبت پوست و صورت و راه کارهای آن درج شده است. «برای رفع خشکی پوست صورت و نرم و مفید کردن آن... چند رتبه خیار پوست لکنده (کهنه) در قدری شیر خیس نمائید و بعد از دو ساعت از برای استعمال حاضر میشود. اول صورت را بگردن و دستها را با آب گرم و صابون بشوئید و بعد از آن دستها و صورت را از شیر مذکور مالش بدهید» (دانش، ۲۷، ۱۳۲۹، شماره ۶: ۴).

یکی دیگر از بهداشت فردی در زنان به بیان ماهنامه جمعیت نسوان وطن خواه ایران توصیه به لباس‌های تمیز و راحت برای زنان است. «در توصیف لباس نسوان شکم بند بدون فنر (زیرا فنر برای حفظ الصحه زنان خوب نیست) برای خانومها لازم است پیراهن‌ها بدون آستین با بند خیلی نازک رو شانه» (جمعیت نسوان وطن خواه ایران، ۱۳۰۲، س ۱، ش ۸، ص ۱۷) و «سختی و خواب کافی می‌تواند در تامین سلامت دختران و زنان مفید باشد» (زبان زنان، س ۲، ش ۱۳، ص ۴).

## ۶- نتیجه گیری

۱- در عصر قاجار زنان به دلیل محدودیت‌های فرهنگی، دسترسی اندکی به حق بر سلامت، بهداشت و خدمات پزشکی داشتند و بسیاری از بیماری‌های آنان بدون درمان مناسب باقی می‌ماند یا به خانواده و فرزندان سرایت می‌نمود.  
 ۲- انتشار مقالاتی با تاکید بر مسایل بهداشتی در نشریات، از نخستین گام‌ها در مسیر حق بر سلامت جامعه آن زمان بود و تا حدودی منجر به آگاهی بهتر زنان از اهمیت سلامت فردی و اجتماعی شد، اما تا اوایل جنبش مشروطه این

آگاهی هنوز محدود و پراکنده بود.

۳- در دوره مشروطه، زنان نویسندگان در نشریات با لحن انتقادی به بی‌توجهی جامعه نسبت به سلامت آنان اشاره کردند و اهمیت بهداشت فردی و اجتماعی را برجسته ساختند. این امر باعث شد سلامت زنان از یک موضوع فردی به یک مسئله اجتماعی به عنوان حقوق عمومی تبدیل شود، رو‌شنگری درباره بیماری‌های زنان از دیگر دغدغه نویسندگان مقالات در جراید دوره مشروطه به بعد است که گویی با انقلاب مشروطه حق بر سلامت در جامعه معنا پیدا کرده بود.

۴- جنبش مشروطه با گسترش مطبوعات و ورود زنان به عرصه اجتماعی، زمینه‌ساز بیداری آنان شد. زنان در این دوره نه تنها در فعالیت‌های اجتماعی بیشتری مشارکت کردند، بلکه تأثیری شگرف در حقوق عمومی حوزه سلامت نیز داشتند.

۵- در دوره مشروطه با ایجاد فضای آزادی نسبی، گسترش مطبوعات و مشارکت زنان، حق بر سلامت به عنوان بخشی از حقوق عمومی زنان مطرح گردید. این تحول، نقطه آغاز مسیر تاریخی ارتقای جایگاه زنان در حوزه بهداشت عمومی و تثبیت حق بر سلامت به عنوان حقوق عمومی در جامعه ایران بود.

پایان مقاله / نسخه اولیه / ویراستاری نشده  
Accepted/Awaiting Publication/Draft/Version Unedited

## منابع و مأخذ الف: کتب و مقالات

ابراهیم نژاد، هرمز (۱۳۹۶). نوسازی و بهداشت عمومی در دوره قاجار، مترجم: قربان بهزادیان نژاد، تهران: نشر پژوهشکده تاریخ اسلام.

آدمیت، فریدون (۱۳۶۱، ۱۳۸۴، ۱۳۵۵، ۱۳۷۸). امیرکبیر و ایران، تهران: انتشارات خوارزمی.

بامداد، بدرالملوک، (۱۳۴۸). زنان ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، ج ۱، تهران: جاویدان.

باقری، الهه (۱۳۸۹ش). جستاری در مورد جایگاه زن در تاریخ پزشکی دوره قاجار. تاریخ پزشکی. دوره: ۲، شماره: ۴، صص: ۸۵-۱۱۷.

براون، ادوارد گرانویل (۱۳۸۴). یک سار در میان ایرانیان. مترجم مانی صالحی علامه، تهران: نشر اختران.

بروکینگتون، ت. فریزر (۱۳۵۰). بهداشت جامعه. ترجمه دکتر سیاوش آگاه، تهران: نشر کتاب.

پولاک (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، تهران: خوارزمی.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). ایران، سرزمین و مردم آن. مترجم کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی

توکلی، آفرین. وجیهه فروتن (۱۴۰۱). بررسی تحولات بهداشت عمومی اصفهان در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری. پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۲۰. بهار و تابستان ۱۴۰۱.

جواهرکلام، علی (۱۳۹۱). یادداشت‌های سفر اصفهان، به کوشش عبدالمهدی رجایی، قم: مجمع ذخایر اسلامی.

سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین السلطنه. مصحح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: نشر اساطیر.

سرنا، کارلا (۱۳۶۲). سفرنامه مادام کارلاسرنا یا آدمها و آیین‌ها در ایران، ترجمه علی اصغر سخندی، تهران: زوار

سرنا، کارلا (۱۳۶۳). مردم و دیدنیهای ایران، مترجم غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.

شیخ الاسلام، جعفر (۱۳۸۵). یاد باد آن روزگاران، اصفهان: نقش خورشید.

صبری، آتش (۱۳۹۰). نقش کشتی به عتبات رقابت ایران و عثمانی در عراق سده ۲۰ میلادی، مترجم نازلی کامواری ایران، نامه، سال ۲۶، شماره ۱-۲.

فلور، ویلم (۱۳۸۶ش). سلامت مردم در ایران قاجار، ترجمه کمال نبی پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی.

کنیری، مسعود؛ دهقان نژاد، مرتضی (۱۳۹۰). قرنطینه‌های ایران در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره چهارم شماره ۱۶

کسروی، احمد (۱۳۷۰ش). تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر

کریمی، علی (۱۳۹۵). تعلیم حفظ الصحه نسوان (آموزشهای رسمی بهداشت و سلامت زنان و دختران) قبل از انقلاب مشروطه تا تاسیس اولین مدرسه قابلیتگی در سال ۱۲۹۸ ش.، دانشنامه صارم در طب باروری.

محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰، ۱۳۷۸، ۱۳۵۴). تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران. تهران: دانشگاه تهران. جلد اول. ص. ۱۲۸.

منظورالاجل: محمدحسین (۱۳۶۸). نگاهی گذرا به وضعیت بهداشت و بهداری در زمان ناصرالدین شاه قاجار، تهران: کتیبه، دفتر دوم به مناسبت دویستمین سال مرکزیت تهران: زمستان ندیم، ابوالحسن (۱۳۹۸). کتاب جامع بهداشت عمومی، تهران، نشر ارجمند. ویشارد، جان (۱۳۶۳). بیست سال در ایران، مترجم علی پیرنیا، تهران: نوین.

#### ب: روزنامه‌ها، مجلات و نشریات

اخگر، ۱۳۰۸ ش

ادب، ۱۲۸۳

انجمن مقدس ملی اصفهان، ۱۳۲۵ ق

ایران نو، ۱۲۸۸

بلدیه، ۱۳۰۶، ۱۳۲۵

تربیت، ۱۳۱۵ ق و ۱۳۱۹ ق

تمدن، ۱۳۲۵ ق

جماعت نسوان وطن خواه، ۱۳۰۲

جهان زنان، ۱۳۰۰ ش

حفظ الصحه، ۱۳۲۴ ق

حکمت، ۱۲۸۴

دانش، ۱۳۲۹ ق، ۱۳۲۸ ق

زیان زنان، ۱۲۹۹ و ۱۳۰۱

شکوفه، ۱۲۹۵، ۱۲۹۴، ۱۲۹۳، ۱۲۹۲ ش، ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ ق

صحبیه و امور خیریه، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰

طب کنونی، ۱۳۰۰، ۱۲۹۹، ۱۳۳۹

عالم نسوان، ۱۳۰۷، ۱۳۰۶، ۱۳۰۲، ۱۲۹۹

علمی، ۱۲۹۴ ق

علمی، ۱۲۹۵

فرهنگ، ۱۲۹۸ ق، ۱۳۰۴ ق

قانون، بی تا

الکامل، ۱۲۷۹

ناصری، ۱۳۱۲ ق

نامه بانوان، ۱۲۹۹

نسوان وطن خواه، ۱۳۰۲

وقایع اتفاقیه ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۳۰

### اسناد

آرشیو اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۰۷، ۸۸۹۶

آرشیو اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۰۷، ش ۸

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ش ۱۳۱۴ - ک ۲۸، پ ۶

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ۳، ۲۴۰-۲-۴۷۶۰۴

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۵۷۶۳/۲۹۳

پایان یافته / در انتظار انتشار / نسخه اولیه / ویر استاری نشده  
Accepted/Awaiting Publication/Draft/Version/Unedited

## The Right to Health: The Unacknowledged Legacy of Women in the Constitutional Movement

### Abstract:

The Constitutional Movement in Iran, as a watershed moment in the nation's history, catalyzed the first structured initiatives toward social modernization and welfare enhancement under the influence of modern thought. During this period, public health concerns and the right to health—especially amid widespread epidemics—evolved into matters of national significance. Employing a descriptive-analytical methodology, this study examines the impact of the Constitutional era on women's rights and their agency in advancing those rights. Findings reveal that the active engagement of women intellectuals in civic and health associations, such as the "Anjoman-e Nazafat" (Hygiene Association) in Tehran, along with their interventions in areas including water sanitation, street cleaning, waste management, child vaccination programs, and critical discourse on public health in the press, not only represented a substantial leap forward in community health but also constituted a pivotal inception for the recognition of women's public agency and their influence on health policy formation. By fostering nascent civil and governmental institutions, this movement established the foundational framework for systematic attention to health and sanitation in Iran.

Keywords: Constitutional Movement, Women's Rights, Right to Health, Public Health, Press, Women Intellectuals.

پایه علمی نشریه انتشارات علمی ویراستاری نشده  
انتشار نسخه اولیه/ویراستاری نشده  
Accepted/Awaiting Publication/Draft/Version/Unfinalized